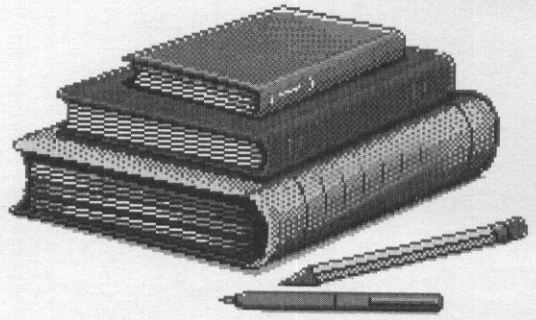


# عناصر مؤثر در

# آموزش زبان و ادبیات فارسی

(کمیسیون تخصصی شورای تحقیقات استان فارس)



## بیان مسئله

«نظر سنجی از معلمان شرکت کننده در نخستین مجمع علمی آموزش زبان و ادبیات فارسی درباره‌ی عناصر مؤثر در آموزش زبان و ادبیات فارسی، شیراز، مهرماه ۷۶».

محور اساسی مسئله‌ی ذکر شده آموزش صحیح و نتیجه بخش زبان و ادبیات فارسی است. این مسئله به طور اساسی به پنج عامل ۱- کتاب درسی ۲- روش تدریس ۳- برنامه‌ی درسی و آموزشی ۴- معلم ۵- شاگرد بستگی دارد. در تحقیق حاضر برای نظر سنجی درباره‌ی عناصر فوق در زمینه‌ی زبان و ادبیات فارسی در قالب پنج سؤال اساسی سعی شد نظریات معلمان و صاحب نظران این رشته جمع آوری و تجزیه و تحلیل شود. از آن جا که به جز این پنج عنصر، عناصر دیگری هم ممکن است در کار آموزش مؤثر باشند، سؤال‌های دیگری هم مطرح شده است.

## ضرورت تحقیق

از آن جا که هر کدام از عناصر فوق ابعاد متفاوت و جنبه‌های گوناگون دارند و نیز به دلیل ماهیت خاص آموزش این عناصر که تنها از طریق بررسی زمینه‌های عملی می‌توان ابعاد آن‌ها را شناخت، مطمئناً بهتر است همراه با تفکر و اندیشه نظری و فردی درباره‌ی این عناصر مهم، تجربیات جمع بزرگ تری از دست اندرکاران آموزش زبان و ادبیات فارسی را نیز فراهم کرد و سپس با طبقه بندی این تجربیات و دیدگاه‌ها و نظریات آنان زمینه را برای یک پژوهش عمیق

## هدف تحقیق

تحقیق حاضر با هدف اساسی، نظر سنجی از معلمان شرکت کننده در نخستین مجمع علمی آموزش زبان و ادبیات فارسی درباره‌ی عناصر مؤثر در آموزش زبان و ادبیات فارسی به منظور رفع نقیصه‌های فوق و ارائه‌ی رهنمودها و پیشنهادات لازم جهت انجام پژوهش‌های بعدی انجام گرفته است.

## سؤالات تحقیق

به منظور به دست آوردن نظریات معلمان درباره‌ی مشکلات و ابعاد مختلف عناصر مذکور که در کار آموزش زبان و ادبیات فارسی مؤثرند، محقق ۶ سؤال را در مورد محورهای زیر طرح کرد:

- ۱- روش تدریس کتب درسی
- ۲- محتوای کتب درسی
- ۳- برنامه‌ی درسی و محتوا
- ۴- معلمان ادبیات فارسی
- ۵- فراگیرندگان
- ۶- موارد دیگر

## محدودیت‌های تحقیق

محدودیت‌های این تحقیق عبارت‌اند از:

- ۱- نبود وقت کافی برای پاسخ گویان جهت پاسخ گویی به سؤالات؛
- ۲- کلی بودن سؤالات پرسش‌نامه؛
- ۳- نبود وقت کافی برای طرح سؤالات پرسش‌نامه به شیوه‌ی استاندارد به دلیل اضطراری بودن زمان تحقیق.

و اساسی آماده نمود. تدوین کتب درسی و آموزشی همیشه نیازمند بررسی همه جانبه‌ی کلیه‌ی ابعاد مؤثر محتوا و شیوه‌های صحیح آموزش آن از طرف برنامه ریزان آموزشی بوده است. اغلب به دلیل نارسایی در تدوین و طراحی این کتب، دست اندرکاران مجبور بوده‌اند همه ساله تغییراتی در محتوای آن‌ها ایجاد کنند که این امر خود پیامدهای نامطلوبی را در معلمان و شاگردان به دنبال دارد. از طرف دیگر، برای رسیدن به شیوه‌های صحیح و مناسب و کارآمد آموزش این کتب نیز نقد و بررسی دائمی را الزامی می‌نماید. به خصوص که این گونه نظر سنجی‌ها در زمینه‌های آموزشی می‌تواند عامل ارتباطی مستقیم‌تر بین تدوین کنندگان کتب درسی و برنامه ریزان آموزشی، معلمان و دانش آموزان باشد و علاوه بر آن محک و بوته آزمایشی است که درجه‌ی موفقیت و کارایی کل ترکیب عناصر فوق را نیز نشان می‌دهد. به خصوص که درس زبان و ادبیات فارسی با مسائل عدیدهای در مناطق مختلف کشور ارتباط دارد و اطلاع از کارآیی و تأثیر کتب درسی در مناطق مختلف - که هر کدام ویژگی‌های اقلیمی، قومی و زبانی خاص خود را دارند - ضرورت بسیار دارد و مسلماً بررسی این نظریات می‌تواند راهنمای خوبی برای اصلاح عیوب شیوه‌ی تدریس زبان و ادبیات فارسی و علاقه مند گرداندن معلمان و فراگیرندگان سراسر کشور به آن باشد؛ زیرا گروه‌های مختلفی از معلمان و علاقه مندان به ادبیات از ۲۴ استان کشور به این نظر سنجی پاسخ داده‌اند.

**پژوهش:**

**ابراهیم نخستین**

**تلخیص و گزارش:**

**مجله‌ی رشد ادب فارسی**

توجهی به نثر (توجه بیش از حد به شعر) -  
محتوای تکراری مطالب و متون (مطالب  
حاوی نکات و مضامین واحدی هستند) -  
مطالب تکراری (تکرار مطالب کتب فارسی

معلمان در زمینه‌ی نامناسب بودن محتوا  
موارد زیر را برشمرده اند:  
مطالب کم محتوا و ضعیف - مفید و  
آموزنده نبودن - کم ارزش بودن مطالب - کم

**نوع تحقیق**

از آن جا که تحقیق حاضر بر اساس  
نظرسنجی و به شکل توصیفی اجرا شده در  
پی کشف نوع مشکلات و در نتیجه، احراز  
بیش عمیق تری در مورد ابعاد و عناصر  
آموزش زبان و ادبیات فارسی است، ماهیت  
آن صرفاً کشف آرای پاسخ‌گویان در مورد  
مشکلات مربوط به عناصر مؤثر در آموزش  
زبان و ادبیات فارسی می‌باشد. لذا این  
پژوهش از نوع توصیفی است.

**جامعه‌ی آماری**

جامعه‌ی آماری در این نظرسنجی ۷۰۰  
نفر از معلمان زبان و ادبیات فارسی هستند  
که از سراسر ایران (۲۴ استان) در نخستین  
مجمع علمی آموزش زبان و ادبیات فارسی  
که در مهرماه ۷۶ در شیراز برگزار شد،  
شرکت کرده بودند.

**گزارش خلاصه‌ی نتایج**

گزارش خلاصه‌ی پژوهش:

ردیف	موارد پاسخ	تعداد	درصد
۱	نبودن روش تدریس مناسب	۷۷ نفر	۱۱٪
۲	الف کلامی بودن روش تدریس	۵۸ نفر	۸٪
۳	معلم محوری	۳۹ نفر	۵٪
۴	نامناسب بودن محتوا	۱۰۶ نفر	۱۵٪
۵	ب نامناسب بودن ساختار کتاب	۷۹ نفر	۱۱٪
۶	نامناسب بودن حجم مطالب	۳۹ نفر	۵٪
۷	کمبود وقت و حجم زیاد مطالب	۱۰۲ نفر	۱۴٪
۸	پ عدم تفکیک دروسی مثل املا و انشا و نگارش	۱۰۲ نفر	۱۴٪
۹	کم اهمیت شمردن ادبیات و ساعات نامناسب	۲۰ نفر	۳٪
۱۰	نبود تخصص	۶۹ نفر	۱۰٪
۱۱	ت فقدان انگیزش	۳۰ نفر	۴٪
۱۲	سواد ناکافی	۲۹ نفر	۴٪
۱۳	ث بی علاقه‌ی فراگیرندگان	۷۸ نفر	۱۱٪

**جدول فراوانی و درصد عوامل مؤثر بر  
ضعف آموزش زبان و ادبیات فارسی**

اطلاعات مربوط به موارد دیگر (پرسش شماره ۶)

ردیف	موارد پاسخ	تعداد	درصد
۱	کمبود یا نبود کلاس‌های آموزشی ضمن خدمت - جدی نبودن آن‌ها - مستمر نبودن آن‌ها - اجباری نبودن آن‌ها - عدم استفاده از اساتید مجرب در این کلاس‌ها	۴۲	۶٪
۲	عدم توجه و رسیدگی به وضع معیشتی و رفاهی معلمان	۲۲	۳٪
۳	کمبود منابع و امکانات کتابخانه‌ای یا نبودن کتابخانه‌های مجهز در مدارس (برای استفاده‌ی معلم و دانش‌آموز از کتب و نشریات جدید ادبی) - عدم ارتباط مدارس با کتابخانه‌های عمومی	۱۸	۲٪
۴	کمبود یا نبود وسایل کمک آموزشی برای ادبیات (از جمله، نبودن وسایل سمعی و بصری)	۱۸	۲٪
۵	به کار نگماردن منابع جدید و حساس و مشوق معلمان ادبیات و اهل ادب و با فرهنگ و دارای شم آموزشی (و آگاه نکردن دانش‌آموزان از اهمیت این دروس)	۱۴	۲٪
۶	آگاه نکردن مشاوران تحصیلی مدارس دانش‌آموزان را از امکانات شغلی و کاربردها و بازار کار ادبیات - انقاي برداشت‌های نادرست در مورد رشته‌ی ادبیات و سهولت ورود به آن و تحصیل در آن به دانش‌آموزان	۱۳	۲٪
۷	عدم تشکیل مجامع و سمینارها و کنفرانس‌های ادبی یا ادامه نیافتن کار چنین مجامعی	۱۲	۱٪
۸	نبودن جلسات و نشست‌هایی برای هماهنگی و رفع مشکلات آموزشی معلمان و استفاده از تجارب یکدیگر - نبودن ملاقات‌های دقیق و معنی‌دار برای امتحان دروس و ارزش‌یابی دانش‌آموزان و نمره‌گذاری دروس (در نتیجه، ادغام دروس مختلف - املا و فارسی - انشا و دستور و ادغام نمرات کتبی و شفاهی)	۹	۱٪
۹	نبودن فعالیت‌های چینی و تحقیقی - عملی و کاربردی نکردن ادبیات - فقدان امکانات برای آشنا کردن دانش‌آموزان با فعالیت‌های ادبی و فرهنگی در سطح شهر و بازدید از مراکز ادبی و فرهنگی	۷	۱٪
۱۰	عدم استفاده تیروی کافی متخصص و کارآمد برای تدریس	۶	۰٪
۱۱	نبودن دستورالعمل واحد معینی برای املا (رسم الخط) ی کلمات در کتب فارسی	۶	۰٪
۱۲	تأکید بیش از حد بر امتحانات کتبی (که موجب کثرت برگه‌های امتحانی و خستگی معلم می‌شود) - برگزار نشدن به کیفیت یادگیری دانش‌آموز (که از طریق امتحان شفاهی میسر می‌شود) - در دروسی مثل فارسی	۵	۰٪
۱۳	عدم تشویق دانش‌آموزان برجسته‌ی رشته‌ی ادبیات (نبودن مجمی برای دانش‌آموزان برجسته‌ی این رشته - با حضور اساتدان)	۵	۰٪
۱۴	برگزار نکردن مسابقات ادبی	۵	۰٪
۱۵	کمبود منابع و مآخذ برای رفع مشکلات آموزشی معلمان (در دسترس نبودن افراد متخصص) - برگزار نشدن جلسات علمی با حضور مؤلفان کتب ادبیات	۴	۰٪
۱۶	عدم استفاده از سرگروه‌های متخصص و مجرب برای تنظیم صحیح برنامه‌های درسی ادبیات و رفع مشکلات آموزشی معلمان	۴	۰٪
۱۷	عدم به کارگیری اساتید مجرب و کهنه کار (و احیاناً بازنشسته) در امر تدریس ادبیات	۳	۰٪
۱۸	تأکید بر امتحانات شفاهی و نبودن امتحانات کتبی در دوره‌ی راهنمایی (و در نتیجه عدم امکان سنجش دقیق دانش‌آموزان در دروس ادبیات)	۳	۰٪
۱۹	عدم اجرای برنامه‌هایی برای رفع مشکلات اساسی از لحاظ زبان فارسی در مناطق «دو زبان» (مثل خوزستان، کردستان، آذربایجان)	۳	۰٪
۲۰	قرار دادن ادبیات در زمره‌ی دروس فرعی و «غیر اختصاصی» (و «نمره‌آور»)	۳	۰٪
۲۱	نبودن امکانات و تسهیلات برای ادامه تحصیل معلمان در مقاطع بالاتر از لیسانس (نبودن «سهجی» برای آن‌ها)	۲	۰٪
۲۲	عدم اختصاص امکانات کافی به مدارس مناطق پایین شهر - تبعیض (شدید) میان مدارس بالای شهر و پایین شهر (دولتی و غیردولتی)	۲	۰٪
۲۳	عدم رسیدگی به وضع عمومی ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌های دوردست و مناطق محروم	۲	۰٪
۲۴	برچیده نشدن نظام قدیم - متوسطه به طور کامل (دوگانگی نظام‌های قدیم و جدید و ادامه‌ی حیات نظام قدیم در کنار نظام جدید موجب بروز اشکالاتی از لحاظ روش تدریس و یادگیری و غیره می‌شود)	۱	۰٪
۲۵	«استاندارد» نبودن سوالات امتحانی ادبیات	۱	۰٪
۲۶	عدم همکاری با «کانون شعرا و نویسندگان»	۱	۰٪
۲۷	تدریس نشدن کتاب درسی برای آموزش یکی از زبان‌های «یومی» ایران (مثل کردی، لری، ترکی) برای تدریس در مراکز آموزش متوسطه در سراسر ایران	۱	۰٪
۲۸	نبودن امکانات فیزیکی کافی و مناسب (از قبیل کلاس‌های مناسب و با گنجایش کافی، وسایل تهویه، ...) برای ساختمان مدارس	۱	۰٪
۲۹	دقیق نبودن برنامه‌ریزی آموزشی و هماهنگ نبودن برنامه‌های سال تحصیلی (شروع و پایان سال تحصیلی، تعطیلات رسمی و ...) در سراسر کشور	۱	۰٪

نظام قدیم یا سالهای قبل) - ضعف نگارشی و دستوری - مطلوب نبودن مطالب و متون کهن و معاصر (متون انتخاب شده معرف بهترین متون نوع خود نیستند) - ثقیل بودن و عدم تناسب مطالب با سن و رشد شناختی و توانایی عقلی شاگردان - عدم تناسب با نیازهای به روز و اجتماعی دانش آموز - عدم تناسب مطالب با علائق و روحیه و نیازهای روانی دانش آموز.

آن‌ها عوامل زیر را در نامناسب بودن ساختار کتب، مؤثر دانسته اند:

مطالب خشک و بی روح - مطالب عاری از ذوق - تفهیمی و کاربردی نبودن مطالب - قالبی بودن (در نتیجه اجبار به حفظ کردن مطالب و فقدان انگیزه برای مطالعه بیشتر) - حجم بیش از حد کتب - غیر ضروری بودن بعضی مطالب - یکنواختی و بی تنوع بودن مطالب (بی جاذبه بودن) - بی توجهی به ادبیات (نظم و نثر) خارجی - القای چارچوب فکری خاص (که دانش آموز را از آزاداندیشی و تفکر باز می دارد) - نبود توضیحات کافی در مورد مطالب دشوار - وجود ابهاماتی در مطالب و معانی - نبود مقدمه هایی در توضیح نوع و موضوع متون - ارائه ی پاسخ در پایان مباحث (که روش نادرستی است) - نبودن سؤالات «خودآزمایی» در پایان دروس و مباحث - گنجاندن مطالب و مباحث و تمرینات بسیار در یک حجم محدود و به صورت فشرده - عدم تناسب میان حجم متون کهن و معاصر - عدم تنظیم و سازماندهی و تقسیم بندی صحیح و اصولی در تدوین مطالب (از لحاظ تقدم و تاخر مطالب، از ساده به مشکل) - عدم تنظیم اصولی مطالب و مباحث یک کتاب واحد در سال های مختلف تحصیل (به طوری که هر کتاب مکمل کتاب سال قبل و مبتنی بر دانسته ها و آموخته های قبلی دانش آموز باشد) - نبودن روش اصولی و علمی در تهیه ی مطالب هر کتاب - آشفتنگی و نبود ارتباط منطقی میان مطالب.

## نتیجه گیری

با تجزیه و تحلیل، توصیف و جمع بندی پرسش نامه های ۱۳۶ نفر از شرکت کنندگان در نخستین مجمع علمی آموزش زبان و ادبیات فارسی نتایج این نظرسنجی را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف: از مجموع ۱۳۸ نفر پاسخ دهندگان، ۱۱۳ نفر (تقریباً ۸۱ درصد) به پرسش درباره ی روش تدریس زبان و ادبیات فارسی پاسخ داده اند. غالب آنان روش تدریس را نامناسب و ناکافی دانسته و عمده ترین اشکال آن را کلامی بودن روش تدریس و غلبه ی معلم محوری به شمار آورده اند.

ب: حدود ۷۹ درصد از پاسخ گویان به پرسش درباره ی محتوای کتب درسی پاسخ داده و تقریباً همه ی آنان بر نامناسب بودن محتوای کتب درسی از جهات گوناگون توافق داشته اند. هم چنین حدود ۳۰ درصد از ایشان حجم مطالب را نیز نامناسب دانسته و ۱۶ درصد ساختار کتاب را نامناسب شمرده اند.

پ: از میان کل پاسخ گویان تعداد ۱۰۹ نفر به پرسش درباره ی برنامه ی درسی پاسخ داده و حدود ۹۳ درصد آن ها عمده ترین اشکال را کمبود وقت و حجم زیاد مطالب عنوان کرده و مجدداً ۹۳ درصد از آنان خواستار تفکیک دروس مختلف ادبیات یعنی املا و انشأ شده اند و ۱۸ درصد از پاسخ دهندگان نیز کم اهمیتی ادبیات و اختصاص دادن ساعات نامناسب برنامه درسی را به عنوان یک اشکال دیگر یادآوری کرده اند.

ت: از مجموع پاسخ دهندگان ۷۹ نفر به پرسش مربوط به نقش معلمان ادبیات جواب داده و تقریباً همه ی آنان نداشتن تخصص کافی و ذوق ادبی لازم را عمده ترین اشکال کار معلمان دانسته و ۳۸ درصد از آنها نیز فقدان انگیزه و علاقه معلمان را به تدریس ادبیات به علل گوناگون بر شمرده اند.

ث: به سؤال مربوط به فراگیرندگان زبان

و ادبیات فارسی ۷۸ نفر پاسخ داده و همگی آن ها عمده ترین عیب فراگیرندگان را بی علاقه ی آنان به این درس عنوان کرده اند. ج: به سؤال مربوط به «موارد دیگر»، ۱۰۶ نفر پاسخ داده اند که تمامی آن ها به طور کلی کمبود و نبود ابزارها و وسایل کمک آموزشی گوناگون را عامل دیگری برای ضعف آموزش زبان و ادبیات فارسی بر شمرده اند.

## بحث نتایج

با نگاهی به نتایج به دست آمده در می یابیم که اغلب قریب به اتفاق پاسخ دهندگان یعنی بین ۸۰ تا ۱۰۰ درصد آن ها نسبت به عناصر شش گانه ی آموزش زبان و ادبیات فارسی یعنی کتاب، برنامه، معلم، شیوه ی تدریس و فراگیرندگان دیدگاهی انتقادی داشته اند و هر یک از این عناصر را به اشکال متفاوت، نامناسب و غیرکارآمد و ناکافی تشخیص داده اند.

در پاسخ به سؤال ۶ یعنی «موارد دیگر» غالب پاسخ گویان فقدان یا کمبود وسایل کمک آموزشی را یادآوری کرده و خواستار آن شده اند که آموزش زبان و ادبیات با استفاده از انواع وسایل و روش ها تقویت گردد. در صورتی که در سؤالات پرسش نامه این مورد صراحتاً مورد پرسش قرار نگرفته بود. توافق همگانی درباره ی وسایل کمک آموزشی و راه های آموزشی غیر سنتی نمایانگر آن است که در بین معلمان زبان و ادبیات فارسی توجه به نقش این عنصر و جست و جو برای راه های به کارگیری مناسب آن مورد توجه قرار گرفته است.

از طرف دیگر، اعتقاد ۸۱ درصد از پاسخ دهندگان به سؤال مربوط به «روش تدریس» که معلم محوری و کلامی بودن تدریس ادبیات را عمده ترین علت آن دانسته اند، نیز این نکته را مجدداً مورد تأکید و تأیید قرار می دهد.

اظهار نظر ۹۳ درصد از پاسخ دهندگان

به سؤال مربوط به برنامه‌ی درسی، درباره‌ی تفکیک مطالب و ساعات درس‌های مختلف ادبیات یعنی زبان فارسی، ادبیات فارسی، دستور زبان، املا و نیز انشا، بیانگر آن است که پاسخ‌گویان از طریق آگاهی نظری و تجربه‌ی عملی دریافته‌اند که هر چند زبان و ادبیات پشت و روی یک سکه هستند و ارتباطی تنگاتنگ و جدایی‌ناپذیر دارند اما ترجیح می‌دهند که با تفکیک مطالب، ساعات و شیوه‌ی تدریس آن‌ها از یک‌دیگر به نتیجه‌ی بهتری برسند. این خواسته نشان می‌دهد که تفکیک زبان فارسی از ادبیات فارسی و تدوین این دو ماده در دو کتاب جداگانه که سال جاری به دست دانش‌آموزان می‌رسد، پیشاپیش مورد تأیید معلمان زبان و ادبیات فارسی است.

یکی دیگر از یافته‌های قابل توجه در این تحقیق آن است که اکثریت قریب به اتفاق پاسخ‌دهندگان به پرسش مربوط به «فراگیرندگان» غالباً به بی‌علاقگی دانش‌آموزان به این درس و رشته اذعان و اصرار داشته‌اند و این مسئله از نظر پاسخ‌دهندگان چنان محرز و مسلم است که بیشتر آن‌ها به جز ذکر بی‌علاقگی به دیگر مسائل فراگیرندگان نپرداخته‌اند و آن‌را تنها علت اصلی عدم موفقیت دانش‌آموزان دانسته‌اند.

### پیشنهادها

با تعمق در پاسخ‌ها و نظریات پاسخ‌دهندگان و کلیت بخشیدن به مقولات بسیار متفاوتی که آنان مطرح کرده‌اند، می‌توان دو علت عمده را به عنوان اصلی‌ترین منشأ این اشکالات تشخیص داد: نخستین مسئله آن است که اولاً به نظر می‌رسد در نظام آموزش فعلی «هدف» از آموزش زبان و ادبیات فارسی آن چنان که باید و شاید به طور واضح و روشن مشخص نگردیده و ثانیاً «ماهیت» اصلی زبان و ادبیات به شکلی عمیق و درست شناخته نشده است. بدیهی است تا هنگامی

که هدف از آموزش دقیقاً مشخص نگردیده و تازمانی که ماهیت زبان و ادبیات عمیقاً شناخته نشده باشد، نمی‌توان برنامه‌ریزی صحیح و مناسبی برای آموزش آن‌ها داشت؛ زیرا اصولاً هدف هر علم یا فن ارتباط تنگاتنگی با ماهیت آن دارد.

بنابراین، برای برنامه‌ریزی درست و مناسب آموزش زبان و ادبیات فارسی و جست‌وجوی راه‌های مناسب و شیوه‌های کارآمد آن نیز قبل از هر چیز باید ماهیت «زبان» و «ادبیات» و هدف از تعلیم آن را با تعمق و تدبر کافی مشخص کرد.

برای اصلاح تعلیم زبان و ادبیات فارسی بهتر است قبل از هر چیز کسانی که در این شاخه‌های علمی به دانش و بینش کافی مجهزند، ابتدا طرحی کلی و جامع برای آموزش زبان و ادبیات تدوین نمایند. آن‌گاه شیوه‌های عملی و کاربردی مناسب جهت اجرای آن توسط سایر اشخاص آگاه و متخصص در علمی مانند روان‌شناسی، برنامه‌ریزی آموزشی و سایر علوم مربوط طراحی گردد. سپس بر اساس این طرح کلی و با توجه به نیازهای سنی و تحصیلی در هر مرحله‌ی آموزش، کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی تدوین گردد. از آن‌جا که در نظام آموزشی فعلی ما کتاب درسی محوری‌ترین نقش را به عهده دارد، ضروری است پس از طراحی کل اهداف آموزشی، تدوین صحیح کتب درسی بیشترین توجه را به خود اختصاص دهد. برای انجام درست و شایسته‌ی این کار علاوه بر مسائل فوق دو نکته‌ی ظریف دیگر حائز اهمیت بسیار است: اولاً مسئله‌ی تفکیک زبان از ادبیات در عین پیوستگی و ارتباط تنگاتنگ آن دو با یک‌دیگر باید در نظر گرفته شود و ثانیاً تألیف و نگارش نهایی کتب درسی با شیوه‌ای هنرمندانه و آمیخته با ذوق ادبی انجام پذیرد تا علاقه و توجه فراگیرندگان را به خود جلب کند. چنان که گفته شد، رسیدن به این هدف عالی تنها از طریق یک کار گروهی و مستمر و به

دور از شتاب‌زدگی می‌تواند انجام پذیرد. بر اساس دیدگاه‌های کلی ذکر شده توجه به پیشنهادهای زیر ضرورت دارد:

۱- تفکیک زبان فارسی از ادبیات فارسی و برنامه‌ریزی مشخص برای آموزش هر کدام از مهارت‌های اساسی آن دو از قبیل خواندن، نوشتن، درک مطلب و بیان شفاهی و ...

۲- تدوین اهداف کلی آموزش «زبان» و «ادبیات فارسی» در سطوح مختلف تحصیلی با توجه اساسی به ماهیت زبان و ادبیات و بر اساس نیازهای مختلف کشور و فراگیرندگان از طریق همکاری علمای زبان‌شناسی، ادبیات و تعلیم و تربیت.

۳- تألیف کتب درسی مناسب و کارآمد بر اساس اصول علمی و با در نظر گرفتن موازین تعلیم و تربیت و همراه با ذوق هنری از طریق همکاری گروهی زیر نظر مدیریت منسجم و مسئولی با مشاوره صاحب‌نظران زبان و ادبیات و بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی.

۴- ایجاد علاقه در معلمان و فراگیرندگان از طرق مختلف (مانند رفع تنگناهای معیشتی، قدردانی و تشویق عملی، ایجاد امکانات مطالعه و تحقیق برای معلمان و توجه نقش مؤثر زبان و ادبیات فارسی در موفقیت بیشتر سایر دروس و ...).

۵- تربیت معلمان کارآمد و با ذوق و عالم و تقویت مهارت و آگاهی آنان از طریق آموزش‌های مستمر بعدی به وسیله‌ی کتاب، نشریه، کلاس‌های ضمن خدمت و سایر روش‌ها.

۶- تدوین مستمر شیوه‌های آموزشی کارآمد و متنوع با توجه به نقش وسایل کمک آموزشی مختلف (هم‌چون نمایش-فیلم-شرکت در محافل و همایش‌های ادبی-کتابخانه-موسیقی-قرائت کتب غیر درسی و ...).

۷- تربیت معلمان زبان و ادبیات فارسی با آگاهی و بینش و کارایی متناسب با اهداف تعیین شده.